



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.89676.1306>



پژوهشی

واکاوی و تبارشناسی مفاهیم تمامیت ارضی (Territorial integrity) و تمامیت مرزی (Border integrity)

ندا شیخ (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران)

neda.sheikh83@ut.ac.ir

بهادر زارعی (دانشیار جغرافیا سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران)

b.zarei@ut.ac.ir

سجاد رازقی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. نویسنده مسئول)

sajadrazeghi.sr@mail.um.ac.ir

چکیده

دو واژه Border integrity و Territorial integrity به واسطه حضور هم زمان در حوزه‌های معرفت‌شناختی، علمی مختلف و توضیح ناکامل آن‌ها در قوانین بین‌المللی دارای معنا، کارکرد و معادل چندگانه‌ای شده‌اند. به گونه‌ای که نوعی آشفتگی و عدم اجماع، به‌ویژه در میان جغرافی‌دانان سیاسی را سبب گردیده است. بر طبق متون مختلف تمامیت ارضی (Territorial integrity) مفهومی انتزاعی است که با مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها و اندیشه‌ها و مسائل انسانی و فضایی درهم آمیخته است. همچنین تمامیت مرزی مفهومی انتزاعی از مسائل فضایی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش فرا تحلیل کوشیده تا ابعاد فلسفی-فضایی این دو واژه را واکاوی و بازخوانی کند و به این پرسش پاسخ دهد که: چرا این دو واژه معادل‌ها و معانی مختلف می‌گیرند و گه‌گاه به اشتباه به‌جای هم به‌کار می‌روند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌نظر می‌رسد که دخیل شدن عناصر و سازه‌های جغرافیایی و فضایی و معرفت‌شناختی مختلف، عدم جامع و کامل بودن توضیحات و قوانین بین‌المللی راه را برای تکرر و اشتباه در تفسیر و به‌کارگیری دو واژه هموار کرده است. به گونه‌ای که آن دسته از معانی و مفاهیم برآمده از Territorial integrity به واقعیت نزدیک‌تر است که علاوه بر دیدگاه ساختار-عاملیتی، دیدگاه "فضایی" و "کل نگرانه جغرافیا" را دخالت دهند و گزاره‌های مرتبط با این واژه مثل استقلال، آزادی و وحدت کشور را پوشش دهند، همچنین در مورد تمامیت مرزی آن دسته از تفسیرها که بعد فضایی و جغرافیایی را در نظر می‌گیرد و مربوط به مرز فیزیکی و حفاظت از آن است می‌تواند به‌کار رود.

واژگان کلیدی: Border integrity, Territorial integrity، ثبات مرز، سرزمین

مقدمه

دو مفهوم انگلیسی Border integrity و Territorial integrity در متون جغرافیای سیاسی و علوم مختلف معانی یکسانی دارند اما در هنگام به‌کارگیری معانی متفاوت به‌خود می‌گیرند و مورد نزاع هستند. به

نظر می‌رسد جغرافیای سیاسی تکلیف خود را با این دو واژه مشخص کرده است و با معادل فارسی تمامیت ارضی و تمامیت مرزی کار را یکسره کرده است. اما زمانی که این دو مفهوم، از حوزه صرفاً نظری و انتزاعی به حوزه کاربردی-مدیریتی-نظری جغرافیا گام می‌نهد، اختلاف نظرهای فراوانی را با خود همراه می‌آورند، به گونه‌ای که باعث پریشانی سازمان‌های بین‌المللی و حکومت‌ها در مواقع لزوم و به‌کارگیری و انتخاب تصمیم درست می‌شوند.

در هر حال هنگام بررسی *Territorial integrity* و *Border integrity* باید در نظر داشت که این مفاهیم یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم سیاست هستند. هرکس که عمیقاً به این موضوع بپردازد از این مسئله آگاه خواهد شد. متفکران و کارگزاران تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند، این اختلاف به دلیل عدم شفافیت و صراحت قوانین بین‌المللی در بیان این واژه‌ها و تفاوت اندیشه است که بر تعریف و تفسیر این دو اصطلاح موثر بوده-اند.

به بیان دیگر *Territorial integrity* از دید حقوق بین‌الملل و جغرافیای سیاسی یعنی انحصار حکومت‌ها در حفاظت و حراست از سرزمین و نواحی مرزی کشور در برابر بیگانگان و عوامل تجزیه طلب است (Corten., 2011). تمامیت ارضی مبنی قلمرو حاکمیت و صلاحیت کشورهاست. قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده‌ی سرزمین خود از اختیارات تام و زمامداری برخوردارند (هاشمی، ۲۲۰، ۱۳۸۴). و برای عده‌ی از اندیشمندان تعاریف نقض ناپذیری مرزها را برای دو واژه تعریف کرده‌اند و هر دو را هم معنی هم دانسته‌اند. در خصوص مفهوم تمامیت ارضی دو فرض به ذهن متبادر می‌شود. بسته به تفسیر این مفهوم ممکن است از آن هرگونه خدشه در استقلال دولت همراه با پیامدهای سرزمینی یا تجاوز به محدوده مرزهای یک دولت با آثار منتهی به اشغال موقت و دائم اطلاق شود (ساعد، ۱۳۸۳). تعاریف‌های دیگر برای *Border integrity* حفاظت از مرزهای فیزیکی بدون توجه به نفوذ و دخالت بیگانگان و همچنین *Territorial integrity* حفاظت از *state* تعریف می‌شود.

در هر حال ابهام در معنا و مفهوم و تفسیر متفاوت *Territorial integrity* و *Border integrity* باعث شده است که این مفاهیم اغلب به صورت هم معنا و یا همراه به کار برده شوند. در محاوره‌ی معمولی به سختی می‌توان از کاربری و تفکیک این دو مفهوم پرهیز کرد و چنین کاربردی بالذاته نادرست است. العولی در سال ۲۰۱۹ به بررسی تمامیت ارضی در جهانی در حال جهانی شدن پرداخته است و ایشان تمامیت ارضی حفاظت از *state* در برابر تهدیدات داخلی و خارجی می‌داند (El Ouali, 2019). سامرز به دو صورت تمامیت ارضی را بیان می‌کند اولی ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور بین دولت‌هاست، دوم از انتقال یک سرزمین غیر خودگردان به استقلال محافظت می‌کند و بیان دارد که تمامیت ارضی حفظ حاکمیت

سرزمین، نه تنها در برابر تهدیدات خارجی بلکه در برابر تهدیدات داخلی و جدایی طلبی است و حق تعیین سرنوشت ملت باید نادیده گرفته شود (Summers, 2022). پولنر با اشاره به دستورالعمل‌های کمیسیون اروپا (EC) بیان می‌دارد که مدیریت تمامیت مرزی (IBM) در واقع هماهنگی و همکاری ملی و بین‌المللی بین کلیه مراجع ذیربط و سازمان‌های دخیل در امنیت مرزی و تسهیل تجارت برای دستیابی به هدف مرزهای باز اما به خوبی کنترل شده و امنیت مرزها است (Polner, 2011). در واقع Border integrity یکپارچگی و هماهنگی توسط سازمان‌های مختلف برای حفاظت از مرزهای فیزیکی را بیان می‌کند. زارعی و ذکی مفهوم تمامیت ارضی و مرزی را مبین گستره جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت کشورها دانسته‌اند و بیان داشتند که امروزه تمامیت ارضی و مرزی، مترادف با استقلال و وحدت ملی، به عنوان موضوعی شناخته می‌شود که مورد توجه جهانیان است (زارعی و ذکی، ۱۳۹۰). اناری اصل ثبات مرزها را چنین بیان می‌کند این اصل مالکیت و تعلق سرزمینی را تثبیت می‌کند. به عبارتی دیگر آنگاه که قدرت مشترک حاکم افول کرد، توافق در مورد اصل تحدید حدود به‌طور اجتناب ناپذیری ضروری گردید. اصلی که اجرای آن موجب تغییرناپذیری مرزها می‌شود. بر قلمر عام این اصل در مسائل مربوط به استعمارزدایی و اهمیت استثنایی آن برای قاره آفریقا از جمله دو طرف قضیه حاضر، تأکید می‌شود. هر چند این اصل برای اولین بار در آمریکای لاتین مورد استناد قرار گرفته، ولی قاعده‌ای نیست که فقط مختص یک نظام خاص حقوق بین‌الملل باشد، بلکه قلمرویی عام دارد و به لحاظ منطقی با پدیده کسب استقلال و ثبات کشورهای جدید با منازعات برادرکشی ناشی از مرزهای مورد اختلاف در پی خروج قدرت اداره کننده است (اناری، ۱۳۹۸). در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل به این مطلب اشاره دارد که بین مفاهیم یکپارچگی سرزمینی و عدم نقض خطوط مرزی تفاوت‌های مهمی وجود دارد. اما، نکته در این است که کارکرد مرزها لزوماً در تعیین میزان حضور فیزیکی یک کشور نهفته است و لذا مرزها در خدمت حفظ یکپارچگی سرزمینی کشورها قرار می‌گیرند و نقض خطوط مرزی یک کشور در بدو امر در تعریف تجاوز قرار خواهد گرفت (Report of the Conference UN General Assembly, 1994).

در نهایت ابهامات در مورد معانی و مفاهیم باعث شده است. تنها راه نجات از این چندگانگی نظریات را در این امر بدانیم که تعاریف مبتنی بر اصول و قوانین بین‌المللی و همچنین مبتنی بر عناصر و گذاره‌های آزادی، استقلال و وحدت جامعه را توجه کنیم و برای مفهوم Border integrity تعاریف مبتنی بر مرز و حفاظت فیزیکی مرز را در نظرگیریم و تمامیت مرزی را مکمل و زیرمجموعه‌ی تمامیت ارضی بدانیم. این مطالعه به بررسی چستی مفهوم این دو اصطلاح و تفاوت دو مفهوم تمامیت ارضی و مرزی می‌پردازد. در هر حال هدف از این پژوهش بررسی و بازخوانی مفهوم دو اصطلاح Border و Territorial integrity

integrity از ابعاد لغوی، جغرافیایی، بین المللی، تاریخی، حقوقی و سیاسی برای پاسخ به این سوال است که چرا این دو مفهوم در منابع متون مختلف تفسیرهای متعدد و گاهی چالش برانگیز داشته‌اند حتی به نادرست به جای هم استفاده می‌شوند. به بیان دیگر چرا این دو مفهوم برابره‌ها و معانی مختلف و گاهی نادرست در ابعاد عملی و به کارگیری به خود می‌گیرند.

روش پژوهش

تحقیق پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و اساس کار مبتنی بر تحقیقات آرشیوی و کتابخانه‌ای با امعان نظر به منابع داخلی و خارجی صورت گرفته است. همچنین، از نظر نوع گردآوری داده، جزء پژوهش‌های کیفی است. از منظر ماهیت، تحقیقی بنیادی محسوب می‌شود و از لحاظ چگونگی پردازش و تفسیر یافته‌ها، از روش فراتحلیل استفاده کرده است. پژوهش حاضر، از آنجا که در پی بررسی ناهمسوئی‌ها و تضادهای مفهومی، نظری و معناشناختی واژه تمامیت ارضی و تمامیت مرزی در میان اندیشمندان و نظریه پردازان جغرافیایی سیاسی است و می‌کوشد تا با یک زمینه فراگیر برای نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌ها، ارائه دهد، در زمره روش فراتحلیل می‌گنجد.

بحث نظری: بررسی تمامیت ارضی از نظر فلسفی تعاریف لغوی، جغرافیایی، تاریخی، در علوم و رشته‌های مختلف

از نظر فلسفی طبق نظر متفکرانی چون هابز، لاک و روسو مفاهیم تمامیت ارضی و تمامیت مرزی به عنوان پدیده‌ای قراردادی تلقی می‌کنیم و از آن به عنوان پدیده ساختگی یاد می‌کنیم. در واقع وقتی این مفاهیم را حاصل قرارداد و توافق افراد می‌شناسیم از آن به عنوان پدیده‌ای ساختگی یاد می‌کنیم (ادگار و سچ ویک، ۱۳۹۷، ص. ۱۱).

مهم‌ترین نظریه‌ای که می‌توان مصداق این دو مفهوم یافت نظریه‌ی به عنوان (پدیده ابزارگونه و ساختگی) است. در این نظریه تمامیت ارضی و مرزی محصول عمل ارادی انسان است و نتیجه قراردادی اجتماعی برای تأمین نظم و امنیت در جهان می‌باشد (ادگار و سچ ویک، ۱۳۹۷).

• بررسی تمامیت ارضی و مرزی در تعاریف

این دو اصطلاح وجود خارجی ندارند. به بیان دیگر Territorial Integrity و Border integrity یک هستی و موجودیت انتزاعی هستند که نه دیده می‌شود نه شنیده می‌شود و نه لمس می‌شوند. تمامیت ارضی یک اصل بین‌المللی است که به موجب آن تجاوز به یک کشور یا استفاده از زور برای تغییر مرزها و تمامیت

یک کشور ممنوع اعلام شده است (سازمان ملل متحد، ۱۳۹۴). با تشکیل سازمان ملل متحد و بعداً سازمان‌هایی مانند کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (سازمان امنیت و همکاری اروپا کنونی)، تمامیت ارضی بخشی از قطعنامه‌های بین‌المللی شد هم به نقض ناپذیری مرزها و هم به تمامیت ارضی دولت‌ها می‌پرداخت (قطعنامه، ۲۰۰۶). بیشتر از آنکه این عبارت معنای دقیق داشته باشد با تفسیر تعریف می‌گردد و مفهوم **Border integrity** به معنای حفظ مرزها و اراضی یک کشور در برابر یک کشور دیگر است. این مفهوم در حقوق بین‌المللی به دولت‌های مستقل این حق را می‌دهد تا از مرزها و اراضی کشورشان در برابر یک دولت دیگر محافظت کنند از مدیریت یکپارچه مرز می‌آید. در واقع برنامه‌ی یکپارچه برای حفظ صحت مرزهای کشور (Bi) است. تمامیت مرز به تعیین مرزهای فیزیکی و امنیت مرزهای یک دولت اشاره دارد. این امر مستلزم ایجاد و حفظ مرزهای روشن بین کشورهای همسایه است و تضمین می‌کند که این مرزها توسط همه طرف‌ها به رسمیت شناخته شده و مورد احترام قرار می‌گیرند. هدف یکپارچگی مرزها جلوگیری از عبور یا تجاوز غیرمجاز است و در نتیجه امنیت و حاکمیت یک کشور را در مرزهای تعریف شده خود، حفظ می‌کند. این اصل تضمین می‌کند که یک دولت بر ورود یا خروج از قلمرو خود کنترل دارد و از عبور و مرور غیرمجاز یا تجاوز جلوگیری می‌کند. این کنترل برای حفظ امنیت ملی بسیار مهم است، زیرا به دولت اجازه می‌دهد تا حرکت افراد، کالاها و منابع را در سراسر مرزهای خود نظارت و تنظیم کند. تمامیت مرزی یعنی حفظ مرزهای ملی بر اساس قدرت ملی یک کشور در برابر تهاجم و تجاوزت همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که بخش مهمی از تمامیت ارضی است.

تمامیت مرزی یک برنامه‌ی است که توسط نیروهای مسول حفاظت و امنیت مرزهای هر کشور اجرا می‌شود و هدف آن حفاظت کشور و مرزها از تروریسم، جرایم سازمان یافته و سایر جنایت‌های مرتبط با مرز و تسهیل تجارت است و در عین حال امکان جابه‌جایی امن و موثر بین‌المللی افراد و کالاها را فراهم می‌کند به منظور دستیابی به هدف مرز باز، اما به خوبی کنترل شده است (European Commission 2004, p. 18). این برنامه در عین حال به حقوق شهروندی و حاکمیت کشور احترام می‌گذارد. هماهنگی و همکاری ملی و بین‌المللی بین کلیه مراجع ذیربط را شامل می‌شود (European Commission 2004, pp. 19-23). امروزه تمامیت ارضی و مرزی مترادف با استقلال و وحدت به عنوان موضوعی شناخته می‌شود که مورد توجه تمام جهانیان است.

بررسی تمامیت ارضی از نظر لغوی و تعریف در زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، عربی و چینی

در مورد منشأ عبارت «تمامیت ارضی»، این یک اصل در حقوق بین‌الملل است که از زمان تشکیل سازمان ملل شکل گرفت در آن دولت‌های مستقل حق دارند از مرزهای خود و تمام اراضی موجود در آن‌ها در مقابل دولت دیگری دفاع کنند.

همچنین **Border integrity** در زبان انگلیسی از دو کلمه **integrity** به معنای دست نخورد و کامل و بدون تخریب و **Border** مرز فیزیکی میان دو محیط جغرافیایی را نشان می‌دهد و در جغرافیای سیاسی یک اصطلاح به معنی کاملیت و صحت و یکپارچگی مرزهای یک کشور و یک رویکرد سیستمی برای محافظت از مرزها می‌باشد. یک رویکرد سیستمی برای محافظت از مرزها است. بعضی معتقدند ریشه این کلمه به صلح و ستفالتا بر میگردد اما عده‌ای بیان دارند که تفاهم نامه‌های با موضوع تمامیت ارضی بین حکومت‌های ابتدایی چین و هند منعقد شده است. مفهوم **Territorial Integrity** از دو کلمه **Territorial** و **Integrity** مشتق شده است.

تشریح مفهوم تمامیت Integrity

Integrity یک مفهوم ساده برای تعریف نیست. بسیاری از تعاریف متداخل و متمایز استفاده می‌شود. کلمه **integrity** از صفت لاتین **integer** به معنای کامل، دست نخورده یا بی کم و کاستی و پایبندی به اصول اخلاقی و اخلاقی، صحت منش اخلاقی، صداقت و گردهم آوردن اجزای کامل به وجود آمده است. (**Oxford University Press., 2019**) **Integrity** اولین بار در انگلیسی میانه (۱۱۵۰-۱۵۰۰) استفاده شده است، این واژه از واژه لاتین **integritās**؛ و از ترکیب پیشوند منفی **in** + **teg** (ترکیب شکل **tag** از ریشه **tangere** به معنی «لمس» کردن) + پسوند صفت **-er**؛ به معنی لمس نشده، دست نخورده تشکیل شده است. مشتقات این کلمه در زبان انگلیسی مانند انتگرال، اینترنت نیز همین معنا را می‌دهند (**online Etymology Dictionary, 2023**). یک کل تقسیم ناپذیر و جدانشدنی است. اشاره به فضیلت دارد، به فساد ناپذیری، صحت و وضعیت بی نقص بودن اشاره دارد (**Cox et al., 2021**). **Integrity** ارتباط نزدیکی با عدم وجود تقلب و فساد دارد، یک مفهوم مثبت و گسترده مرتبط با اخلاق و فرهنگ است. هنگامی که آن را به اشیاء اعمال می‌شود، یکپارچگی به تمامیت، دست نخوردگی یا خلوص یک چیز اشاره دارد. این کلمه در واقع یکپارچگی و دست نخوردگی مثبت و مقدس را بیان می‌کند (**Vocabularydictionary., 2023**). **Integrity** به طور ذاتی یک کل واحد است که هیچ کدام اجزا نمی‌تواند غایب باشد (**Aristotle, 1976, pp. 174-175**). و اجزا در عین حال که جدا فعالیت می‌کنند داری یکپارچگی و وحدت هستند (**Belyaev., 2011**). در این زمینه، یکپارچگی یا کلیت است که در

رشته‌های علمی مختلف مثل اخلاق، سیاست، جغرافیای سیاسی، روانشناسی و سایر رشته‌ها معانی متفاوتی دارد.

مفهوم تمامیت در جغرافیای سیاسی به معنای حفظ صحت و کاملیت ساختار سیاسی و یا ملی در منطقه یا کشور نسبت به قوانین و محدودیت‌های تعریف شده است. این بدان معناست که عناصر جغرافیایی مثل مرز و سرزمین به طور کامل و بدون هیچ گونه تغییر یا تخریبی حفظ شوند. به طور کلی، تمامیت به معنای حفظ صحت و کاملیت چیزی است که در یک سیستم، فرآیند یا محیط مورد نظر است (Cox, et al., 2021).

تشریح مفهوم ارض TERRITORY

Territorial از کلمه لاتین *territōrium* به معنای اطراف یک شهر، از *terra* «زمین، کره زمین» (از ریشه PIE *ters* «خشک» + *orium*، پسوند نشان دهنده مکان (نگاه کنید به *ory*) گرفته شده است و به معنی سرزمین و قلمرو است. مفهوم "هر منطقه، ناحیه، منطقه" را بیان می‌کند برای اولین بار در حدود سال ۱۶۰۰ تایید شد. مفهوم خاص قلمرو از سال ۱۷۹۹ در ایالات متحده برای "منطقه خودگردان سازمان یافته که هنوز یک ایالت نیست" و از آن مناطقی که توسط حیوانات دفاع شده است این مفهوم برداشته شده است (online Etymology Dictionary., 2023). منطقه ای از خشکی یا گاهی دریا که متعلق به کشور، حیوان یا شخص خاصی است یا با آن مرتبط است و سعی می‌کند از آن حفاظت کند (Oxford English Dictionary., 2023). قلمرو را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: زمین سرزمینی، فضای هوایی، آبهای سرزمینی و زیر خاک (Biersteker et al., 1996).

ما در جغرافیای سیاسی با مفهوم سرزمین سرو کار داریم آنگونه که مفهوم *Territory* در فرهنگ جغرافیای سیاسی اروپایی مورد بحث است. سرزمین را می‌توان چهره‌ی افقی یا فیزیکی کشور تعریف کرد. مفهومی جغرافیایی که با توجه به مفهوم حکومت جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند و با توجه به مفهوم ملت پدیده‌ی سیاسی - جغرافیایی کشور را واقعیت می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱).

تشریح مفهوم مرز (Border)

اواسط قرن ۱۴، *border* در خانواده‌های اشرافی برای نوار رنگی گسترده‌ی اطراف سپر، از کلمه *bordeure* به معنای درز، لبه سپر، حاشیه استفاده شد. از کلمه فرانک *bord* یا منبع آلمانی مشابه می‌آید. شکل نهایی پس از حدود ۱۵۰۰ سال تغییر کرد *bordo* در زبان ایتالیایی و اسپانیایی نیز از همین منشا آلمانی هستند و به همین معنای مرز و لبه و حاشیه است (online Etymolog Dictionary., 2023). در نتیجه کلمه *border* از زبان فرانسوی قدیمی *bordeure* به معنی درز، لبه و مرز گرفته شده است. این کلمه از

فرانکی **bord** یا منبع مشابه آن در زبان ژرمنی مشابه **borte** (حاشیه، روبان، اصلاح)، گرفته شده است. در هر دو زبان، کلمه **border** به معنی لبه، سمت، حاشیه و مرز به کار می‌رود (Wiktionary., 2023). در ۱۴۰۰ به عنوان منطقه مرزی، منطقه واقع در امتداد مرز یک کشور "به کار رفت و در تاریخ ایالات متحده، "خط بین مناطق وحشی و ساکن کشور" (۱۸۲۷) را **border** نام داشت. امروزه مرز خطی است که برای تقسیم یک کشور از کشور دیگر توافق شده است (cambridge university press & Assesment., 2023). مرزها معمولاً به عنوان مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شوند، که یا توسط طبیعت بوجود می‌آیند مثل مرز دریا و خشکی یا توسط دولت‌ها و نهادهای سیاسی مثل مرز دو کشور تعیین می‌شوند (Terry., 2016) بر اساس تعریف آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و زیرزمینی هر کشور را مرز آن کشور می‌گویند (عبدالهیان، ۱۳۸۸). ساختار فلسفی مرز در مقابل واژه **Border** به معنی مرز سیاسی و رسمی میان کشورها است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). مرز به عنوان یک پدیده فضایی - جغرافیایی یکی از عوامل ژئوپلیتیکی مهم در مدیریت سیاسی فضا در هر کشوری در راستای توسعه و امنیت پایدار و همچنین تولید قدرت محسوب می‌شود و مدیریت بهینه و هوشمند نواحی مرزی ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی، اجتماعی و همچنین امنیت پایدار دارد. مرزها تولیدکننده فرصت‌ها و تهدیدهای متعدد و متنوعی هستند و شناخت فرصت‌ها و کاهش تهدیدها مبتنی بر منافع ملی و امنیت ملی در نواحی مرزی راه رسیدن به توسعه پایدار و ایجاد پل ارتباطی بین هسته کشور و نواحی مرزی در راستای ایجاد انسجام و توازن در توسعه است. مرز، به عنوان یک پدیده جغرافیایی، ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را از همدیگر جدا می‌کند. مرز خط پیرامونی است که انتهای یک پهنه کنشگری سیاسی یک ملت را تبیین می‌سازد و زیربنای سیاسی پیدا می‌کند (ذکی و رنجبر، ۱۴۰۱).

درباره معادل مفهوم **Territorial Integrity** در زبان فرانسه نیز می‌توان گفت مفهوم ایتگرگ تقیتوریا (**intégrité territoriale**) به همان معنای انگلیسی به کار برده می‌شود. همین گفته در مورد زبان چینی و عربی نیز صدق می‌کند. معادل عبارت **Territorial integrity** به زبان چینی لین تو وان جل **领土完整** است. عبارت لیتو وان جل به زبان چینی از دو کلمه (لیتو) **领土** به معنای سرزمین و (وان جل) **完整** به معنای کامل، سالم دریافت شده است. کلمه (**完整**) وان جل شامل دو کلمه **完** به معنای کامل و **整** به معنای صحیح است.

معادل تمامیت ارضی به عربی عمومی و رسمی **سلامة الأراضي** است. ولی در زبان عربی در سازمان ملل متحد به دو صورت **سلامة الأراضي** و **السلامة الإقليمية** می‌باشد.

همچنین معادل Border integrity در زبان فرانسه Intégrité des frontières است. کلمه intégrité در زبان فرانسوی به معنای یکپارچگی در انگلیسی است، ریشه این کلمه از فرانسوی میانه intégrité و intégrité از لاتین integritas به معنای «صداقت، یکپارچگی، تمامیت، کامل بودن» وام گرفته شده است. ۱. همچنین در زبان چینی کلمه ی بیان جی وان شینگ سینگ 邊界完整性 که از حروف بیانجه به معنای مرز و حد و وان شینگ به معنای کامل همان مفهوم انگلیسی را در بر گرفته است. این مفهوم در زبان عربی به صورت الإدارة المتكاملة للحدود عنوان می‌شود. اداره یک کلمه عربی است که به معنای مدیریت کردن است، متكامله از کلمه کمل ریشه می‌گیرد به معنی کامل و جامع و یکپارچگی در علم، گرد هم آوردن و در دستیابی به یک هدف با یکدیگر همکاری کردن. و همچنین مترادف شمولی و تام است، حدود که جمع اسم حَدّ به معنای حد، پایان و مرز است و این اصطلاح در زبان عربی دارای مفهوم سیاسی همکاری کردن یا دستیابی به هدف حفاظت از مرزهای کشور می‌باشد.

• بررسی تمامیت ارضی از بعد تاریخی

تکامل تاریخی

قبل از دوران مدرن، یک سیستم به وضوح مشخص از مرزهای بین المللی وجود نداشت (p.216). (Zacher, 2001). در عوض، اقتدار بر فضاهای سرزمینی غیرخطی بود، اغلب با هم تداخل داشت و در حال تغییر بود (Goettlich, Kerry (2019). به گفته مارک زاکر، "مرزهای ملی دقیق بررسی شده تنها در قرن هجدهم آشکار شد (Zacher, 2001.p.216). عموماً صلح و ستفاليا در سال ۱۶۴۸ که در مفهوم حاکمیت و ستفاليا تجسم یافته است، به عنوان سنگ بنای حاکمیت تمامیت ارضی در نظر گرفته می‌شود. اما حتی صلح و ستفاليا لزوماً منعکس کننده هیچ حق مطلق بر قلمرو خاصی نبود (Zacher, 2001.p.216). مفهوم کنونی تمامیت ارضی دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای در حال توسعه در پاسخ به تمایل قدرت‌های استعماری برای ممانعت از جنبش آزادی‌بخش ملی مستعمرات و تلاش برای درهم شکستن سرزمین‌های آنها مطرح شد (vk-spy.ru, 2022). پس از جنگ جهانی دوم، رهایی از بلایای ناشی از جنگ سبب شد که جبهه‌ای در حمایت از توقف مؤثر جنگ و ایجاد صلح پدیدار گردد. ویلسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، در اعلامیه چهارده ماده‌ای خود اعلام کرد که مجمع عمومی دولت‌ها باید براساس معاهدات خاصی به منظور تضمین متقابل اعطای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی به دولت‌های کوچک ایجاد شود و مبنای شکل‌گیری جامعه ملل را دفاع و تضمین این تمامیت عنوان کرد. با این حال در اعلامیه مسکو، ۱۹۴۳ بنیاد تأسیس ملل متحد بر اصل تساوی استقلال کلیه کشورها صلح طلب استوار شد و مسئله تمامیت ارضی مسکوت ماند. (ساعد، پیشین، ۳۳/۳۳). این اصل با تصویب منشور ملل متحد در سال

۱۹۴۵ ایجاد شد، اما روند توسعه آن ادامه دارد (vk-spy.ru, 2022، ویژگی های اصل تمامیت ارضی دولت‌ها)

با تشکیل سازمان ملل متحد و بعداً سازمان‌هایی مانند کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، تمامیت ارضی بخشی از قطعنامه‌های بین‌المللی شد. (Zacher, 2001. p.221)

در سال ۱۹۶۴، سازمان وحدت آفریقا اعمال این قانون را در مرزهای کشورهای آفریقایی تأیید کرد. بر اساس آن، مرزهای بین‌جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز به رسمیت شناخته شد. این قاعده در حل مسئله مرزها در قلمرو یوگسلاوی سابق نیز اعمال شد.

این قانون بارها در جاهای مختلف اعمال شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل در حل و فصل اختلافات ارضی تأکید کرد که این یک هنجار شناخته شده جهانی در حقوق بین‌الملل است.

اصل نقض ناپذیری مرزها به عنوان یک اصل مستقل توسط قانون نهایی شورای امنیت در سال ۱۹۷۵ تدوین شد. در عین حال، محتوای آن فراتر از اصل عدم استفاده از زور است. محتوای این اصل شامل تعهد به رسمیت شناختن تخطی ناپذیری تمام مرزهای دولتی در اروپا است (vk-spy.ru, 2022، ویژگی های اصل تمامیت ارضی دولت‌ها).

در این راستا، قانون نهایی شورای امنیت و همکاری اروپا در سال ۱۹۷۵ حاوی کامل‌ترین فرمول اصل تمامیت ارضی دولت‌ها است: «دولت‌های شرکت‌کننده به تمامیت ارضی هر یک از کشورهای شرکت‌کننده احترام خواهند گذاشت. براین اساس، آنها از هرگونه اقدام مغایر با اهداف و اصول منشور ملل متحد علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی یا وحدت هر یک خودداری خواهند کرد. کشورهای شرکت‌کننده نیز از تبدیل قلمرو یکدیگر به اشغال نظامی یا سایر اقدامات مستقیم یا غیرمستقیم استفاده از زور بر خلاف قوانین بین‌المللی، یا تهدید آنها خودداری خواهند کرد (vk-spy.ru, 2022، ویژگی های اصل تمامیت ارضی دولت‌ها).

• بررسی تمامیت مرزی از بعد تاریخی

اصل تخطی از مرزها مکمل اصل تمامیت ارضی است. در اعلامیه ۱۹۷۰، محتوای آن در بخش اصل عدم استفاده از زور بیان شده است. هر دولتی موظف است از تهدید یا استفاده از زور برای نقض نه تنها مرزها بلکه خطوط مرزی خودداری کند که به مرزهای موقت یا دائم از جمله خطوط آتش بس اشاره دارد. این امر برای خطوطی که مبنای قانونی دارند، یعنی مواردی که ایجاد شده اند و با یک توافق بین دولتی مطابقت دارند یا دولت به دلایل دیگر موظف به رعایت آنها است. مقرر شده است که پیروی از این قاعده لطمه‌ای به

موضع دولت‌های مربوطه در مورد وضعیت و پیامدهای ایجاد چنین خطوطی وارد نمی‌کند. دلایلی وجود دارد که معتقدیم این قاعده در مورد مرزهای دائمی نیز صدق می‌کند، زیرا اصل عدم توسل به زور، شناسایی مرزهای موجود را الزامی نمی‌کند (vk-spy.ru, 2022)، ویژگی‌های اصل تمامیت ارضی دولت‌ها). از اواسط دهه ۱۹۹۰، تقاضای فزاینده‌ای برای هماهنگ کردن کار نماینده‌های مختلف در مرز به منظور تسهیل تجارت و امنیت کردند. نهادهای متنوع به توسعه مفهومی شروع کردند که در حال حاضر به عنوان مدیریت هماهنگ مرزی (CBM) شناخته می‌شود. طبق تعریف، CBM برای نماینده‌های غیرگمرکی مرزی، سیاست‌گذاران و سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه است. سازمان‌های دیگر نیز اصطلاحات خود را ابداع کرده‌اند، شامل اما نه محدود به مدیریت یکپارچه مرزی (EU)، در مورد تمامیت مرزی، شورای اروپای لاکن در دسامبر ۲۰۰۱ برای هماهنگی فعالیت‌های مرزی طرح جدیدی را معرفی کرد. موضوعی که «مدیریت یکپارچه مرزی» (IBM) نام دارد. این موضوع همانطور که شروع شد بسیار محبوب شد و در اسناد مختلف شورا و کمیسیون به خصوص در برنامه‌های حقوقی در مورد تقویت آزادی امنیت و عدالت در اتحادیه اروپا مطرح شد (European Commission., 2004)، یک تعریف واضح IBM را می‌توان در دستورالعمل‌های کمیسیون اروپا (EC) برای مدیریت یکپارچه مرزی یافت برای بالکان غربی مشاهده کرد. (تأسیس آژانس اروپایی برای مدیریت همکاری‌های عملیاتی در مرزهای خارجی) {شورای اتحادیه اروپا ۲۰۰۴، ص ۱۵}، معروف به FRONTEX که در بعضی اسناد به اختصار IB یا همان Border integrity نام گرفته است (European Commission., 2004.p.15).

بررسی معادل سازی تمامیت ارضی و تمامیت مرزی در زبان فارسی

برای ایرانیان، از دیرباز نگرانی از مرزها و حفظ تمامیت ارضی از اهمیت و نوعی قداست برخوردار بوده و چه بسا ارزش و قدر این موضوع حتی از اهمیت آن در نزد سایر ملت‌ها نیز بیشتر بوده است. دلایل آشکار این ادعا، جنگ‌های چند صد ساله میان ایران و روم و ایران و عثمانی و نیز دو نبرد خونین در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی با روسیه تزاری و عراق بعثی است که همراه با حماسه‌های پرشکوه در راه دفاع از آب و خاک ایران بودند. حتی در اساطیر ایران «مرز» ایرانی، مرز و مرزبانی جایگاه ویژه‌ای دارد، چنانچه اساس اسطوره آرش کمانگیر جان دادن در راه پاسداری از زمین است (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰، ۱۳). تا قبل از سال ۱۹۰۰، مرزهای ایران عمدتاً ارتجاعی بودند. در دوران صفوی بود که در ایران برای ایجاد هویت ملی و تمامیت ارضی تلاش‌های انجام گرفت و واژه تمامیت ارضی به صورت مفهومی کاربرد پیدا کرد (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰، ۱۳).

در متون تاریخ‌نگارانه عصر صفوی، تمامیت ارضی ایران از تقابل بر سر مرزهای ایران با همسایگانش آغاز می‌شود (سهیلی و همکاران، ۱۴۰۰). در قرن هفدهم و هجدهم، با تولید اولین نقشه‌های نیمه مدرن اروپا از کشورها، موجودیتی که از دریای خزر تا خلیج فارس امتداد دارد حالت ملموس تری به خود گرفت. نقشه برداری از ایران، عمدتاً بر اساس دستاوردهای سرزمینی صفویان، و متفاوت از دوران باستان بود. یا درواقع، با اشاره به چنین نقشه برداری بود، زمانی که در سال ۱۷۳۶، به دنبال سقوط صفویان، عثمانی‌ها آن را تصرف کردند در شمال و شمال غرب ایران، نادر شروع به درخواست بازگشت آن‌ها کرد و این تنها نادر نبود به تمامیت ارضی ایران پای‌بند بود، پادشاهان بعدی و در دوران زند و قاجار نیز وجود این مفهوم در جنگ‌ها نزد ایرانیان ملموس است.

از آنجا که اندیشه پاسداری از تمامیت ارضی ایران یکی از محورهای فکری جنبش مشروطه بود، در متمم قانون اساسی مشروطه نیز موضوع حفظ تمامیت ارضی ایران بازتاب پیدا کرد. در اصل سوم متمم بر تغییرناپذیر بودن حدود مملکت ایران تأکید شده و در اصل سی و نهم متمم نیز پادشاه مکلف به سوگند به حفظ حدود مملکت گردیده است (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰، ۲۰). خطوط مرزی فعلی ایران در عصر پهلوی نهایی شد و کلیه قراردادهای مرزی ایران مربوط به دوره پهلوی هستند.

پیش از سده نوزدهم میلادی کشورها با سرحد از هم تفکیک می‌کردند. سرحدات ایران در ازای تاریخ متغیر بود و به ضعف و قدرت دولت‌های مرکزی ایران و نیز تعدیات همسایگان بستگی داشت و تغییر می‌کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۱۴۲). روند مرزبندی سرزمینی و تحقق محدودیت‌های بین‌المللی از طریق جنگ‌ها و پیمان‌های صلح بعدی در قرن نوزدهم به شکل‌گیری حس رو به رشد هویت سرزمینی برای ایرانیان کمک کرد. در صورتی که تا قبل از قرن نوزدهم جلوگیری از عبور و مرور کنترل مرزی فقط توسط طبیعت صورت می‌گرفت و مردم آزادانه در دو طرف مرز حرکت می‌کردند. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدّد خود وظیفه دائمی و پایدار سه نهاد اصلی نظام سیاسی ایران حفظ تمامیت ارضی قلمداد کرده است و تصریح می‌کند: هدف اول جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی و مرزی خود و تأمین استقلال سیاسی و حکومت ملی است (سریع القلم، ۱۳۷۹، ۵۲).

به نظر می‌رسد، دو دیدگاه متفاوت در فقه سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران پیرامون قلمرو ملی و تمامیت ارضی قابل شناسایی است.

الف) دیدگاه نخست برگرفته از مبانی عقیدتی - فکری فقهای متقدم اسلامی، معتقد به مرزهای عقیدتی اسلام است. نظام سیاسی قدیم در جهان اسلام، مقید به جغرافیای خاص و مرزکشی سرزمینی نبود. تبعاً تعدد

حکومت در جهان اسلام پذیرفته نبود. به اعتقاد این دسته از فقها سرزمین و مرزبندی‌های موجود براساس قهر و غلبه پدید آمده و مشروعیت ندارد (حائری، ۱۳۶۷، ۲۶۷).

ب) دیدگاه دوم متعلق به فقها و اندیشمندان متأخر اسلامی است. به باور آنان، حکومت‌های اسلامی می‌توانند در کوتاه‌مدت و موقت قلمرو و مرزهای جغرافیایی معینی داشته باشند و در کنار دولت‌های دیگر به حیات خویش ادامه دهند و یا دنیای پیرامون خود اعم از جهان اسلام و غیر اسلامی روابط لازم را برقرار کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز - که هفت اصل به تمامیت ارضی و تغییر ناپذیری آن اختصاص یافته - متأثر از چنین نگرشی است (دارابکلائی، ۱۳۸۳، ۲۳۰: ابراهیمی ۱۳۷۳، ۲۳۱).

در ایران نیز مفهوم قلمرو ملی در جغرافیای سیاسی توسط دکتر دره میر حیدر و جمعی از اساتید پرکار و توانا همچون حافظ نیا، مجتهد زاده، کریمی پور مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. یکی از نویسندگان جغرافیایی، در یکی از مقاله‌های خود در خصوص مفهوم *territoriality*، واژه‌ی قلمروسازی را پیشنهاد کرد (میرحیدر، ۱۳۸۴، ۱۶). در میان اساتید قدیم و جدید، دکتر حافظ‌نیا برداشت دقیق تری از قلمرو در تألیفات خود ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است سرزمین به عنوان زیستگاه مجموع‌های از افراد انسانی که به کشوری تعلق دارند؛ چنانکه هیچ کشوری بدون سرزمین قابل تصور نیست (حافظ-نیا، ۱۳۸۱).

• بررسی تمامیت ارضی از منظر رشته‌های مختلف علوم

مفهوم تمامیت ارضی و مرزهای جغرافیایی آن، مبین گستره‌ی جغرافیایی حاکمیت و صالحیت کشورهاست و یکی از موضوعات مشترک و مورد مطالعه جغرافیایی سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و فقه سیاسی است (ساعد، پیشین، ۳). این مفهوم یکی از ارکان پایدار تشکیل‌دهنده‌ی کشور و حفظ حدود مرزهای آن و نیز جزء اصول و منافع حیاتی و اولیه‌ی تمام حکومت‌هاست.

تمامیت ارضی از منظر جغرافیای سیاسی

جغرافیدانان سیاسی در چند دهه گذشته، تعریف و تحلیل متفاوتی از مفهوم تمامیت ارضی کشور ارائه کرده‌اند. برخی از اندیشمندان سرزمین را بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی می‌دانند که با ادامه فیزیکی قلمرو یک کشور برابری پیدا می‌کند. این مفهوم گسترده فیزیکی با حمایت سیاسی، یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. مفهوم فوق پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومت ملی یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد پایدار می‌شود. این تعریف مبین جدایی ناپذیری جنبه‌های سیاسی مفهوم سرزمین از مفهوم حکومت است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱).

حقوق بین الملل

تمامیت ارضی از دید حقوق بین الملل یعنی انحصار حکومتها در حفاظت و حراست از سرزمین و نواحی مرزی کشور در برابر بیگانگان و عوامل تجزیه طلب است و حق دفاع از سرزمین و پاسخ متقابل در صورت تعدی و تهاجم برای آن محفوظ می باشد. یعنی حفاظت از مستملکات، حضانت اتباع و حفظ استقلال در همه وجوه بر عهده نظام سیاسی و دستگاه دیپلماسی هر کشور است. یعنی حفظ و حراست از تمامیت و یکپارچگی هر کشور در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل چه عینی باشد و چه ذهنی و دفاع از یکپارچگی سرزمین در برابر نقض حدود آن است. اصل تمامیت ارضی در اعلامیه اصول حقوق بین الملل سال ۱۹۷۰ به عنوان اصل جداگانه یاد نشده است، اما محتوای آن را از تفسیر اصول دیگر می توان دریافت مثلاً از بررسی اصل عدم توسل به زور یا تهدید به آن دانسته می شود که هیچ دولتی حق ندارد بر ضد تمامیت ارضی دولتی دیگر به زور توسل جوید یا تهدید بکارگیری از زور نماید. مفهوم تمامیت ارضی به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین الملل در طول قرن نوزدهم ظهور کرد. حفاظت از سرزمینی که ما در زبان امروزی از آن استفاده می کنیم قبلاً در گفتمان حقوق بین الملل در وسط قرن ۱۹ ایجاد شده است (Marxsen, 2015). A. W. Heffter در رساله خود در مورد حقوق بین الملل عمومی اروپایی، از اصل تمامیت ارضی به عنوان حق تمامیت یا نقض پذیری دولت ها صحبت می کند (A. W. Heffter, 1844) ()

ماده ۲، بند ۴ منشور سازمان ملل می گوید: «همه اعضا در مناسبات بین المللی خود از هرگونه تهدید یا بکارگیری زور که علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور معطوف است یا به نحوی با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت دارد، خودداری می کنند».

هرگونه فشار نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره بر ضد تمامیت ارضی یک دولت نارواست. قلمرو یک کشور هیچگاه نباید مورد اشغال نظامی قرار گیرد. هر تسلطی بر یک سرزمین و یا اشغال آن که نتیجه کاربرد زور یا یا تهدید به آن باشد، غیر قانونی است. تمامیت ارضی زیربنای قواعد معاصر حقوق بین الملل در مورد استفاده از زور است. همانطور که در منشور ملل متحد و حقوق بین الملل عرفی گنجانده شده است. اکنون بسیاری این دیدگاه از جهان را به چالش می کشند. از جمله حق تعیین سرنوشت، اغلب پیشنهاد می شود این دیدگاه را منسوخ کرده است. با این حال، چنین دیدگاه هایی اساساً ماهیت سیاسی دارند، و از نظر قانون، تشخیص هرگونه تضعیف اصل تمامیت ارضی دشوار است. در واقع، حقوق بین الملل هنوز جایگاهی مرکزی برای تمامیت ارضی، حتی در زمینه تعیین سرنوشت، قائل است.

روابط بین الملل و علوم سیاسی

از دیدگاه علم روابط بین الملل و علوم سیاسی، تمامیت ارضی، یکی از عناصر اصلی هویت ملی یک کشور است. این اصل، به دولت ها اجازه می دهد تا قلمرو خود را به عنوان بخشی از سرزمین ملی خود تعریف کنند

و از آن دفاع کنند. تمامیت ارضی، همچنین، یکی از عوامل مهم در روابط بین الملل است. نقض تمامیت ارضی یک کشور، می‌تواند منجر به درگیری‌های بین المللی شود، زیرا کشورهای مختلف ممکن است بر سر قلمرو خود اختلاف داشته باشند. (گریفیتس، ۱۳۹۴).

تمامیت مرزی در علوم مختلف به معنای حفظ و یکپارچگی و پیوستگی مرزها است. این مفهوم در علوم مختلفی مانند جغرافیا و سیاست و حقوق کاربرد دارد.

در جغرافیا، تمامیت مرزی به معنای حفظ مرزهای سیاسی بین کشورها است. این مفهوم در مطالعات مرزنگاری و مطالعات سیاسی کاربرد دارد (Archer, 1998).

به طور کلی، تمامیت مرزی مکمل حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک کشور است. این مفهوم در مطالعات سیاست بین‌الملل کاربرد دارد (Krasner, 1999) (Mayall, 2000).

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

تمامیت ارضی و تمامیت مرزی مفهومی انتزاعی هستند. تخطی ناپذیری مرزها به خودی خود فی‌الذات وجود خارجی ندارد (انتزاعی است). معنای لغوی تمامیت ارضی و تمامیت مرزی، یکپارچگی سرزمینی یا تمامیت سرزمینی، یکپارچگی و تخطی ناپذیری مرزی است. اما بیشتر از آنکه این عبارات معنای دقیق داشته باشد با تفسیر تعریف می‌گردند. این دو اصطلاح گستره وسیعی از مفاهیم را دربرمی‌گیرند و در تاریخ بشری مصادیق و مفاهیمی از آن‌ها یافت می‌شود. همانگونه که ذکر شد ابهامات و تفسیرهای مختلف و اشتباه در مورد این دو مفهوم باعث شده است که کشورهای مختلف در مواقع نیاز تفسیرهای مختلفی از این دو مفهوم به نفع خود کنند. در نهایت ابهامات در مورد معانی و مفاهیم باعث شده است برخی از اندیشمندان تنها راه نجات از این چندگانگی نظریات را در این امر بدانند که آن دسته از معانی و کاربری‌ها صحیح می‌باشند که تعاریف مبتنی بر دیدگاه فضایی و کل‌نگرانه جغرافیا را نیز دخالت دهند، جغرافیا به دلیل خاصیت کل‌نگرانه خود که در پی پاسخ به کجایی (فضا و مکان)، چرایی (نظریه)، زمانی (تاریخ) و چگونگی (فرایندی) پدیده‌ها دارند می‌تواند معنی صحیح و کاربردی‌تری برای این دو مفهوم ارائه دهد و این تعاریف باید اصول و قوانین بین‌المللی و همچنین مبتنی بر عناصر و گزاره‌های آزادی، استقلال و وحدت جامعه را در برگیرد. تمامیت ارضی یک اصل بین‌المللی است که به موجب آن تجاوز به یک کشور یا استفاده از زور برای تغییر مرزها و تمامیت یک کشور ممنوع اعلام شده است. با تشکیل سازمان ملل متحد (سازمان ملل متحد) و بعداً سازمان‌هایی مانند کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (سازمان امنیت و همکاری اروپا کنونی)، تمامیت ارضی بخشی از قطعنامه‌های بین‌المللی شد هم به نقض ناپذیری مرزها و هم به تمامیت ارضی دولت‌ها می‌پرداخت (Corten, 2011). مفهوم Border integrity به معنای حفظ مرزها و اراضی یک کشور در

برابر یک کشور دیگر است. این مفهوم در حقوق بین‌المللی به دولت‌های مستقل این حق را می‌دهد تا از مرزها و اراضی کشورشان در برابر یک دولت دیگر محافظت کنند از مدیریت یکپارچه مرز می‌آید. در واقع برنامه ی یکپارچه برای حفظ صحت مرزهای کشور (Bi) است. در مورد منشأ عبارت «تمامیت ارضی»، این یک اصل در حقوق بین‌الملل است. بعضی معتقدند ریشه این کلمه به صلح وستفاليا بر می‌گردد. همچنین Border integrity در زبان انگلیسی از دو کلمه integrity به معنای دست نخورد و کامل و بدون تخریب و Border مرز فیزیکی میان دو محیط جغرافیایی را نشان می‌دهد و در جغرافیای سیاسی یک اصطلاح به معنی کاملیت و صحت و یکپارچگی مرزهای یک کشور و یک رویکرد سیستمی برای محافظت از مرزها می‌باشد. تمامیت ارضی و مرزی تخطی ناپذیر بودن یکپارچگی مرزهای یک کشور است و با گزاره‌های چون استقلال، آزادی ارتباط دارد. تمامیت مرزی (BI) را می‌توان یکپارچگی مرز فیزیکی و محافظت از مرزها دانست. در واقع به‌عنوان یک فرآیند پیچیده در نظر گرفت که در درجه اول ایجاد تأثیر مثبت بر مناطق فرامرزی و کمک به احیای منطقه‌گرایی فرامرزی می‌کند، مانند پروژه ادغام اتحادیه اروپا (EU)، که منجر به ایجاد داخلی سازی مرزها و مرز خارجی مشترک شد (O'Dowd 2002). فرآیندهای دگرگونی تأثیر بسزایی بر محیط مرزی کشورها داشته است. برای برخی از کشورها، مرزها کارکرد اصلی خود را به عنوان موانع از دست دادند و حالت جدیدی پیدا کردند و به مثابه یک پل عمل می‌کنند (O'Dowd 2002). برای کشورهای دیگر که در راه استقلال هستند مرزها نقش خود را به عنوان شاخص‌های اصلی حاکمیت حفظ کردند. اهمیت تمامیت ارضی از دوره صفویه برای ایرانیان آغاز شد. دوران صفوی بود که در ایران برای ایجاد هویت ملی و تمامیت ارضی تلاش‌های انجام گرفت و واژه تمامیت ارضی به صورت مفهومی کاربرد پیدا کرد. (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰). در متون تاریخ‌نگارانه عصر صفوی، تمامیت ارضی ایران از تقابل بر سر مرزهای ایران با همسایگانش آغاز می‌شود. با توجه به تجربه تلخ ایرانیان در قرن گذشته و منازعات و ادعاهای ارضی و مرزی همسایگان در طول حکومت قاجار و پهلوی، دوره جمهوری اسلامی، حفظ حدود و ثغور مرزها مقدس‌ترین تکلیف برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی به شمار می‌رود (قانون اساسی، ۵۳، ۱۳۸۶). همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد خود وظیفه دائمی و پایدار سه نهاد اصلی نظام سیاسی ایران حفظ تمامیت ارضی قلمداد کرده است و تصریح می‌کند (هدف اول جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی و مرزی خود و تامین استقلال سیاسی و حکومت ملی است (سریع القلم، ۱۳۷۹، ۵۲).

تمامیت ارضی از دید حقوق بین‌الملل یعنی انحصار حکومت‌ها در حفاظت و حراست از سرزمین و نواحی مرزی کشور در برابر بیگانگان و عوامل تجزیه طلب است و حق دفاع از سرزمین و پاسخ متقابل در صورت

تعدی و تهاجم برای آن محفوظ می‌باشد. از دیدگاه علم روابط بین الملل و علوم سیاسی، تمامیت ارضی، یکی از عناصر اصلی هویت ملی یک کشور است. این اصل، به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا قلمرو خود را به عنوان بخشی از سرزمین ملی خود تعریف کنند و از آن محافظت کنند تمامیت ارضی، همچنین، یکی از عوامل مهم در روابط بین الملل است. نقض تمامیت ارضی یک کشور، می‌تواند منجر به درگیری‌های بین المللی شود. در عرصه روابط بین‌الملل تحول مهمی مشاهده شده است که بر اساس این دیدگاه ثابت شده که نباید از زور برای تغییر مرزها استفاده کرد، این ایده که تسخیر سرزمینی مجاز نیست دوره ای که ما از پایان جنگ جهانی دوم می‌گذرانیم طولانی‌ترین دوره بدون جنگ بین دولتی بین قدرت‌های بزرگ در اروپای غربی است (Mueller, 1989). اما باید توجه داشت که در عصر تکنولوژی تسخیر سرزمینی بدون خشونت نیز ممکن است صورت گیرد و تمامیت ارضی باید شامل ممنوعیت هرگونه اقدام بر نفوذ و تسلط و برهم زدن استقلال و وحدت کشور دیگر باشد. موضوع یکپارچگی مرزها همواره موضوعی بحث برانگیز بوده که منجر به درگیری و روابط متشنج بین مردم و ملت‌ها شده است. مفهوم "Border integrity" به معنای حفظ مرزها و اراضی یک کشور در برابر یک کشور دیگر است. این مفهوم در حقوق بین‌المللی به دولت‌های مستقل این حق را می‌دهد تا از مرزها و اراضی کشورشان در برابر یک دولت دیگر محافظت کنند از مدیریت یکپارچه مرز می‌آید. یک رویکرد سیستمی برای محافظت از مرزها است. در جغرافیا، تمامیت مرزی به معنای حفظ مرزهای سیاسی بین کشورها است. در سیاست، تمامیت مرزی مکمل حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک کشور است. در گذشته، بسیاری از مرزها خطوط مشخصی نداشتند؛ در عوض، اغلب مناطق مداخله‌گری وجود داشت که توسط هر دو طرف ادعا و جنگ می‌شد. موارد خاص در دوران مدرن، منطقه بی‌طرف عربستان سعودی-عراق از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۹۱ بود و منطقه بی‌طرف عربستان سعودی و کویت از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۷۰ را می‌توان ذکر کرد. در دوران مدرن، مناطق بی‌طرف با مرزهای مشخص و معین جایگزین شده‌اند. برای اهداف کنترل مرزی، فرودگاه‌ها و بنادر دریایی نیز به عنوان مرز طبقه بندی می‌شوند. اکثر کشورها نوعی کنترل مرزی دارند. برای تنظیم یا محدود کردن رفت و آمد افراد، حیوانات و کالاها به داخل و خارج از کشور است.

• گزاره‌های که تمامیت ارضی و تمامیت مرزی به آن‌ها وابسته هستند

رابطه تمامیت ارضی با استقلال (Independence)

معنی استقلال، ضابط امر خویش بودن، به خودی خود برکاری برایستادن، بلند شدن، ارتفاع یافتن و اوج گرفتن می‌باشد. در اصطلاحات عصر حاضر، وصف کشور و دولتی است که تحت سلطه کشور دیگر نباشد. وضعیت یا شرایط فقدان اتکاء وابستگی، تابعیت یا کنترل است. استقلال (Independence)، معنی مترادف

آن در فرانسه و انگلیسی عدم وابستگی است. در جغرافیای سیاسی استقلال حاکمیتی است معطوف به خارج یعنی هیچ قدرتی نمی‌تواند قواعد رفتاری خود را در قلمرو اقتدار دولت-کشور به آن تحمیل کند (حاکمیت برون‌ی) (منصوری، ۱۳۶۶). استقلال ابعاد مختلفی دارد از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی. استقلال سیاسی یعنی مدیریت سیاسی یک کشور وابسته به کشوری دیگر و یا تحت کنترل آن نباشد. بعد اقتصادی استقلال در مفهوم خودکفایی متبلور می‌شود. وابستگی اقتصادی، زمینه سلطه سیاسی و فرهنگی بر کشور را نیز فراهم می‌کند. استقلال فرهنگی عبارت است از اتکاء به ارزش‌ها و هویت فرهنگی ملی و نفی وابستگی در این امور به کشورهای دیگر. استقلال نظامی یعنی اینکه یک کشور برای دفاع از وحدت و تمامیت ارضی خود نیازمند و وابسته به کشورهای دیگر نباشد. (تمیزکارمستقیم، محمد، ۱۳۸۷). از سوی دیگر در پرتو حفظ وحدت و تمامیت ارضی، نظام سیاسی و حقوقی، نظم و امنیت را در جامعه برقرار نموده و در پرتو این امنیت افراد از آزادی‌های خویش بهره‌مند می‌گردند. تنها استقلال سیاسی برای تعریف کشور مستقل کفایت نمی‌کند، بلکه وابستگی اقتصادی و فرهنگی به کشورهای دیگر استقلال سیاسی را نیز مخدوش می‌کند. و از آزادی عمل این کشور در تعیین خط مشی سیاست خارجی خود جلوگیری می‌نماید (تمیزکارمستقیم، محمد، ۱۳۸۷). امروزه به دنبال شکل‌گیری نظام نوین بین‌المللی و توسعه روابط بین‌المللی میان کشورهای گوناگون، ضرورت احترام متقابل به اصل استقلال کشورها و به تبع آن دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر به خوبی احساس می‌شود. به همین دلیل در اهم اسناد بین‌المللی و داخلی، بر این نکته تأکید ورزیده شده است. چنانچه در ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل (۱۹۱۹) آمده است: اعضای جامعه ملل تعهد می‌نمایند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی یکدیگر را محترم شمارند و در قبال هرگونه تجاوز خارجی از آن به دفاع پردازند.

استقلال به دو معنی است، یکی جنبه معنوی (درونی) دارد، مثل بعد سیاسی و فرهنگی استقلال و یکی هم جنبه عینی و واقعی دارد مثل مرزها و حفظ مرزها که همان تمامیت ارضی و تمامیت مرزی است (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ص ۴۳۵). درباره ارتباط بین استقلال و تمامیت ارضی می‌توان گفت: چنانچه کشوری در عرصه بین‌الملل، دارای استقلال سیاسی باشد، احتمال نقض تمامیت ارضی و مرزی آن کاهش می‌یابد، زیرا همانطور که گفته شد طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور مصون از تعرض است (مواد فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد). در صورت نقض تمامیت ارضی یک کشور استقلال اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ظرفیت‌های اقتصادی آن دچار بحران می‌شود و آثار مخربی چون: کاهش امنیت و سرمایه‌گذاری خارجی و حتی فرار سرمایه را داریم. از میان وجوه مختلف استقلال، استقلال نظامی عمیقترین رابطه را با تمامیت ارضی دارد. زیرا در سایه کسب استقلال نظامی، قدرت

بازدارندگی و نیز مقابله و دفاع و تهاجم خارجی افزایش می‌یابد که این امر نقش مهمی در حفاظت از تمامیت ارضی و مرزی برعهده دارد (تمیزکارمستقیم، محمد، ۱۳۸۷).

در زمینه رابطه بین استقلال و تمامیت مرزی وضعیت کمی پیچیده‌تر است. کشورها می‌توانند با بستن قراردادهای مرزهای داخلی را از بین ببرند، یعنی طبق توافق تمامیت مرزی را نادیده بگیرند در صورتی که به استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نظامی و... آن‌ها آسیبی وارد نشود مانند اتحادیه اروپا. پس تمامیت مرزی و استقلال لزوماً مکمل هم نیستند. حتی در بخش نظامی برای مدیریت بحران از سایر کشورها کمک گیرد نمونه‌ای از عملیات تمامیت مرزی می‌توانیم دولت لبنان را اشاره کنیم که دولت لبنان از دولت آلمان درخواست حمایت و کمک برای توسعه یک پروژه یکپارچه با هدف حفاظت از مرزهای لبنان کرد که بین دو طرف توافق شد تا اقدامات عملی در این زمینه انجام شود که نتیجه آن «پروژه آزمایشی برای سیستم مدیریت یکپارچه برای مرزهای شمال لبنان، که پایه‌های آن از اوایل سال ۲۰۰۷ آغاز شد. تا پایان ژوئن ۲۰۰۸ به طور کامل اجرا خواهد شد.

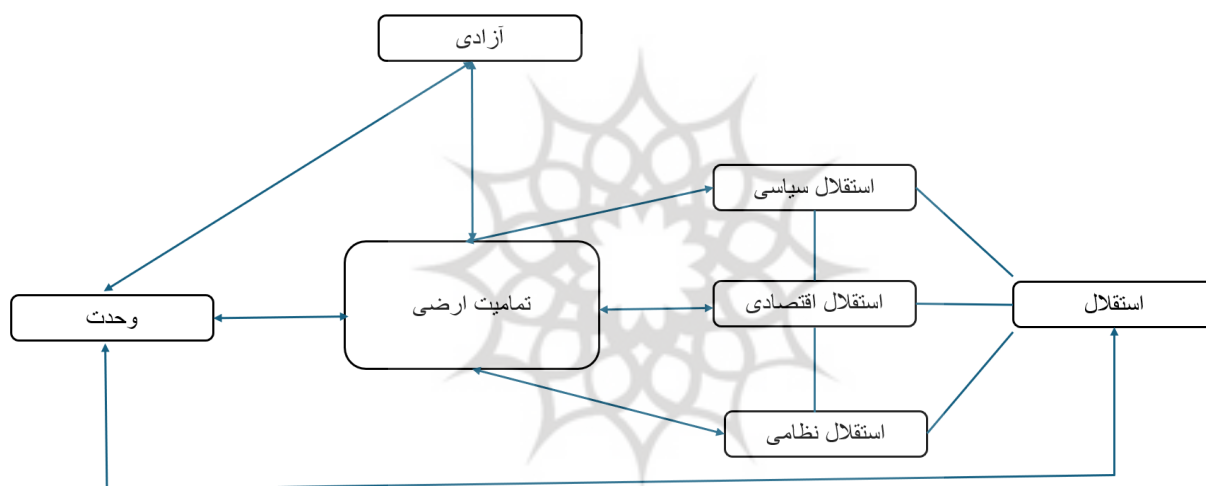
اصول آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی با یکدیگر ملازمه دارند. فقدان آزادی به کاهش مشارکت‌های فعالانه افراد جامعه می‌انجامد که در چنین شرایطی، استقلال با خطر جدی مواجه می‌گردد و حکمرانان مستبد بدون نظارت مردم، منافع ملی را به بیگانگان وا می‌نهند. از سوی دیگر با از بین رفتن استقلال یک کشور، آزادی‌های افراد یک کشور نیز منکوب خواهد شد. از سوی دیگر با برخورداری اقلیت‌های قومی، زبانی، دینی و مذهبی روحیه وفاق ملی تقویت می‌شود و تمایلات تجزیه طلبانه افزایش می‌یابد (تمیزکارمستقیم، محمد، ۱۳۸۷).

مفاهیم تمامیت ارضی و استقلال سیاسی در جهان پس از جنگ از طریق منشور سازمان ملل متحد معرفی شد. که مقرر می‌دارد «همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا از هر طریق دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد سازگار نباشد، خودداری کنند».

بنابراین دو مفهوم تمامیت ارضی و استقلال سیاسی به عنوان پایه و اساس دولت مستقل به هم مرتبط هستند. آنها مبنایی را برای تأیید خارجی توسط جامعه بین‌المللی در مورد حاکمیت یک دولت و مشروعیت اشغال و استفاده از قلمرو آن عاری از مداخله یا تهدید خارجی، و حق دولت برای اتخاذ تصمیمات مربوط به قلمرو خود فراهم می‌کنند.

رابطه آزادی و وحدت و تمامیت ارضی

یک حق است برای افراد به نام آزادی و یک حق است برای جامعه به نام استقلال و همچنین یک حق برای قلمرو به نام تمامیت ارضی است. تمامیت ارضی در برابر تجزیه است. استقلال در مقابل آزادی است و آزادی در برابر مسئولیت و این سه اصل، در کنار هم وابسته به یکدیگر است و جدا نشدنی نیست (صورت مشروح مذاکرات مجلس). وحدت ملی، اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد خویش است به گونه ای که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند. اندیشمندان علوم سیاسی، وحدت ملی را از ارکان قدرت سیاسی دانسته اند که از چگونگی واکنش مردم از منافع عمومی و مصالح کشور حکایت می کند. (تمیزکارمستقیم، محمد، ۱۳۸۷). پس می توان گفت: وحدت ملی و تمامیت ارضی با یکدیگر ملازمه دارند (شکل ۱). بدین معنی که فقدان وحدت ملی موجب در خطر افتادن تمامیت ارضی و فقدان تمامیت ارضی موجب از بین رفتن وحدت ملی است.



شکل شماره ۱: پیوندهای تمامیت ارضی با گزاره های استقلال، آزادی و وحدت

نتیجه گیری

Territorial integrity و **Border integrity** مفاهیمی انتزاعی هستند که با مجموعه ای از مفاهیم استقلال و آزادی و وحدت ملی در هم آمیخته شده اند و به واسطه حضور هم زمان در حوزه های علمی و معرفت شناختی مختلف مثل جغرافیای سیاسی و روابط بین المللی و.... و عدم جامع و کامل بودن این دو مفهوم در قوانین بین المللی مشمول معنا، کارکرد و ماهیت چندگانه ای شدند. هنگامی که این مفاهیم، از حوزه صرفاً نظری و انتزاعی به حوزه کاربردی - مدیریتی - نظری جغرافیا گام می نهد موجب چندگانگی ها و پریشانی می شوند. در هر حال ابهام در معنا و مفهوم و تفسیر متفاوت **Border** و **Territorial integrity**

integrity باعث شده است که این مفاهیم اغلب به صورت هم معنا و یا همراه به کار برده شوند. در محاوره‌ی معمولی به سختی می‌توان از به کارگیری و تفکیک این دو مفهوم پرهیز کرد و چنین کاربردی بالذاته نادرست است. لذا هدف پژوهش حاضر واکاوی تبارشناسی مفاهیم تمامیت ارضی (Territorial integrity) و تمامیت مرزی (Border integrity) و زدودن ابهام از این دو مفهوم است. در این پژوهش به بررسی تمامیت ارضی و مرزی، از نظر تعاریف، لغوی و از منظر رشته‌های مختلف علوم پرداخته شد. همچنین این مفاهیم در زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، عربی و چینی مورد تبیین و تحلیل قرار گرفتند و در ادامه به شرح تفصیلی نتایج بدست آمده پرداخته شده است.

۱- از نظر فلسفی طبق نظر متفکرانی چون هابز، لاک و روسو مفاهیم تمامیت ارضی و تمامیت مرزی به عنوان پدیده‌ی قراردادی تلقی می‌کنیم و از آن به عنوان پدیده ساختگی یاد می‌کنیم.

۲- در تعاریف اصطلاح تمامیت ارضی و مرزی وجود خارجی ندارند. بیشتر از آنکه این عبارت معنای دقیق داشته باشد با تفسیر تعریف می‌گردند. به صورت عام تمامیت ارضی بخشی از قطعنامه‌های بین المللی می باشد به نقض ناپذیری، یکپارچگی سرزمین و حفظ مرزها می‌پردازد و مفهوم Border integrity به معنای حفظ مرزها و اراضی یک کشور در برابر یک کشور دیگر است که از مدیریت یکپارچه مرز می‌آید.

۳- Territorial Integrity از نظر لغوی از دو کلمه Territorial و Integrity مشتق شده است. کلمه integrity از صفت لاتین integer به معنای کامل، دست نخورده یا بی کم و کاستی به وجود آمده است. این کلمه در واقع یکپارچگی و دست نخوردگی مثبت و مقدس را بیان می‌کند. Territorial به معنی سرزمین و قلمرو است. همچنین Border integrity در زبان انگلیسی از دو کلمه integrity به معنای دست نخورد و کامل و بدون تخریب و Border مرز فیزیکی میان دو محیط جغرافیایی را ایجاد شده است.

۴- درباره معادل مفهوم Territorial Integrity در زبان‌های دیگر مثل فرانسوی، چینی و عربی، همان معنای انگلیسی صدق می‌کند اما در مورد مفهوم Border integrity باید گفت با وجود اینکه در زبان چینی و فرانسوی به مانند انگلیسی به معنای یکپارچگی مرز به کار می‌رود، در زبان عربی به صورت الإدارة المتكاملة للحدود عنوان می‌شود. اداره یک کلمه عربی است که به معنای مدیریت کردن است، متکامله از کلمه کمل ریشه می‌گیرد به معنی کامل و جامع و یکپارچگی در علم، گرد هم آوردن و در دستیابی به یک هدف با یکدیگر همکاری کردن است، همچنین مترادف شمولی و

تام است، حدود که جمع اسم حَدَّ به معنای حد، پایان و مرز است و این اصطلاح در زبان عربی داری مفهوم سیاسی همکاری کردن یا دستیابی به هدف برای حفاظت از مرزهای کشور می‌باشد.

۴. از نظر تاریخی، مفهوم کنونی تمامیت ارضی دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای درحال توسعه ایجاد شد. این اصل با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ ایجاد شد و بعداً توسط سازمان‌هایی مانند کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، تمامیت ارضی بخشی از قطعنامه‌های بین‌المللی شد.

همچنین تمامیت مرزی از بعد تاریخی در اعلامیه ۱۹۷۰، محتوای آن در بخش اصل عدم استفاده از زور برای نقض نه تنها مرزها بلکه خطوط مرزی بیان شده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰، تقاضای فزاینده‌ای برای هماهنگ کردن کار نماینده‌های مختلف در مرز به منظور تسهیل تجارت و امنیت کردند. همچنین شورای اروپای لاکن در دسامبر ۲۰۰۱ برای هماهنگی فعالیت‌های مرزی طرح جدیدی را معرفی کرد. موضوعی که «مدیریت یکپارچه مرزی» (IBM) نام دارد.

۵- تمامیت ارضی از دید حقوق بین‌الملل یعنی انحصار حکومتها در حفاظت و حراست از سرزمین و نواحی مرزی کشور در برابر بیگانگان و عوامل تجزیه طلب است. از دیدگاه علم روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، تمامیت ارضی، یکی از عناصر اصلی هویت ملی یک کشور است. این اصل، به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا قلمرو خود را به عنوان بخشی از سرزمین ملی خود تعریف کنند و از آن دفاع کنند. ما در جغرافیای سیاسی با مفهوم سرزمین سرو کار داریم. همچنین در جغرافیا سیاسی، تمامیت مرزی به معنای حفظ مرزهای سیاسی بین کشورها است. در سیاست، تمامیت مرزی مکمل حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک کشور است. این مفهوم در حقوق بین‌المللی به دولت‌های مستقل این حق را می‌دهد تا از مرزها و اراضی کشورشان در برابر یک دولت دیگر محافظت کنند از مدیریت یکپارچه مرز می‌آید.

۶. **تمامیت ارضی در ایران** در دوران صفوی بود که برای ایجاد هویت ملی و تمامیت ارضی تلاش‌های انجام گرفت و واژه تمامیت ارضی به صورت مفهومی کاربرد پیدا کرد. در قرن هفدهم و هجدهم، با تولید اولین نقشه‌های نیمه مدرن اروپا از کشورها حالت ملموس‌تری به خود گرفت. در حال حاضر در قانون اساسی جمهوری اسلامی هفت اصل به تمامیت ارضی و تغییر ناپذیری آن اختصاص یافته است.

۷-فرآیندهای دگرگونی تأثیر بسزایی بر محیط مرزی کشورها داشته است. برای برخی از کشورها، مرزها کارکرد اصلی خود را به عنوان موانع از دست دادند و حالت جدیدی پیدا کردند و به مثابه یک پل عمل می‌کنند (O'Dowd 2002). برای کشورهای دیگر که در راه استقلال هستند مرزها نقش خود را به عنوان شاخص‌های اصلی حاکمیت حفظ کردند.

۸-باید توجه داشت که در عصر تکنولوژی تسخیر سرزمینی بدون خشونت نیز ممکن است صورت گیرد و تمامیت ارضی باید شامل ممنوعیت هرگونه اقدام بر نفوذ و تسلط و برهم زدن استقلال و وحدت کشور دیگر باشد.

۹- تمامیت ارضی و مرزی با گزاره‌های استقلال، آزادی و وحدت ملی پیوند و وابستگی دارند. به صورتی که اگر آزادی و وحدت ملی در کشوری وجود نداشته باشد، تمامیت ارضی و مرزی آن کشور هم در خطر است و همچنین عکس این تعریف نیز صدق می‌کند. همچنین استقلال ابعاد مختلفی دارد. چنانچه کشوری در عرصه بین‌الملل دارای استقلال سیاسی باشد، احتمال نقض تمامیت ارضی و مرزی آن کاهش می‌یابد، زیرا همانطور که گفته شد طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور مصون از تعرض است. در زمینه رابطه بین ابعاد مختلف استقلال و تمامیت مرزی وضعیت کمی پیچیده‌تر است. مثلاً کشورها می‌توانند با بستن قراردادهای مرزهای داخلی را از بین ببرند، همچنین با بستن قراردادهای نظامی با کشورهای دیگر از مرزهای خود حفاظت کنند یا باتوافق به‌طور جزئی مرز را جابه‌جا کنند، یعنی طبق توافق تمامیت مرزی را نادیده بگیرند در صورتی که به استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نظامی و.... آنها خللی وارد نشود.

به طور خلاصه، تمامیت ارضی مفهوم گسترده‌تری است که بر حاکمیت کلی و مصونیت ناپذیری قلمرو و سرزمین یک دولت تأکید می‌کند، در حالی که تمامیت مرزی به طور خاص بر تعیین مرزهای فیزیکی و امنیت خود مرزها متمرکز است. تفاوت بین تمامیت ارضی و مرزی در محدوده و تمرکز آنها نهفته است. همچنین تمامیت ارضی ثابت و نقض ناپذیر است ولی تمامیت مرزی ممکن است طبق قراردادهای جابه‌جا یا حتی در قسمت‌های حذف شود.

از نظر پژوهشی، مطالعه تمامیت ارضی ممکن است شامل تحلیل روابط بین‌الملل، دیپلماسی و چارچوب‌های قانونی حفاظت از قلمرو یک دولت باشد. این می‌تواند شامل بررسی معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و قوانین بین‌المللی مربوط به اختلافات ارضی و حقوق دولت‌ها باشد. از سوی دیگر، تحقیقات در مورد یکپارچگی مرزها ممکن است بیشتر بر مدیریت مرزها، اقدامات امنیتی و اثربخشی سیاست‌های کنترل مرز متمرکز شود. یافته-

های این پژوهش با وجود این که با تعاریف سامرز (۲۰۲۲)، هاشمی، (۱۳۸۴)، العولی در سال (۲۰۱۹) و اناری (۱۳۹۸) هم‌سویی نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در مورد واکاوی این دو مفهوم صورت نگرفته است، لزوم تحقیقات بیشتر در این زمینه برای درک پویایی حاکمیت دولت، روابط بین‌الملل و حفظ صلح و ثبات بین ملت‌ها ضروری است.

در نهایت ابهامات در مورد معانی و مفاهیم باعث شده است. تنها راه نجات از این چندگانگی نظریات را در این امر بدانند که آن‌دسته از معانی و کاربری‌ها صحیح می‌باشند که تعاریف مبتنی بر دیدگاه فضایی و کل-نگرانه جغرافیا را نیز دخالت دهند، جغرافیا به دلیل خاصیت کل‌نگرانه خود که در پی پاسخ به کجایی (فضا و مکان)، چرایی (نظریه)، زمانی (تاریخ) و چگونگی (فرایندی) پدیده‌ها دارند می‌تواند معنی صحیح و کاربردی‌تری برای این دو مفهوم ارائه دهد و این تعاریف باید اصول و قوانین بین‌المللی و همچنین مبتنی بر عناصر و گذارهای آزادی، استقلال و وحدت جامعه را در برگیرد.

کتابنامه

1. A.W. Heffter, (1844). Contemporary European International Law, § 33
2. Abdulhian, Omid. (2008), Laws of the Seas. Tehran: Citizen Rights (27): 2. . [In Persian]
3. Anari, Homa. (2010). The principle of border stability from the point of view of the International Court of Justice. National Conference of New World Achievements in Education: Psychology, Law and Cultural-Social Studies. 92402-97170. . [In Persian]
4. Andalib, Alireza and Motouf, Sharif. (1388). Development and security in border regions of Iran. Bagh Nazar, (6) 12, pp. 57-76. . [In Persian]
5. Aristotle, "Metaphysics" in Aristotle, Works, in 4 volumes, v. 1 (Moscow: Miysl, 1976), 63-367, in Russian.
6. Bahmani Qajar, Mohammad Ali. (2010). Territorial integrity of Iran during the Pahlavi era. Tehran: Institute of Political Studies and Research. first volume. First Edition . [In Persian]
7. Belyaev, Igor A. (May 2011). "Human Being: Integrity and Wholeness" (PDF). Journal.
8. Biersteker, Thomas; Weber, Cynthia. State Sovereignty as Social Construct. Cambridge Studies in International Relations 46. Cambridge University Press. 1996. ISBN 9780521565998.
9. Brussels.
10. Cambridge University Press & Assessment 2023. BORDER | English meaning - Cambridge Dictionary
11. Cambridge University Press & Assessment 2023. TERRITORY | English meaning - Cambridge Dictionary.
12. Corten, Olivier (2011). "Territorial Integrity Narrowly Interpreted: Reasserting the Classical Inter-State Paradigm of International Law". Leiden Journal of International Law. 87: 88 – via Hein Online

13. Corten, Olivier (2011). "Territorial Integrity Narrowly Interpreted: Reasserting the Classical Inter-State Paradigm of International Law". *Leiden Journal of International Law*. 87: 88 – via Hein Online.
14. Cox, Damian; La Caze, Marguerite; Levine, Michael (2021) [2001]. "Integrity". *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
15. Darabaklai, Ismail. (2001). *Political philosophy of Islam*. Qom: Bostan Ketab Publications. . [In Persian]
16. Dictionary, Vocabulary.com, <https://www.vocabulary.com/dictionary/integrity>. Accessed 23 Nov. 2023.
17. Ebrahimi, Mohammad. (2000), *Islam and International Law*, Tehran: Samt Publications. [In Persian]
18. Edgar, Andrew and Sedgwick, Peter. (2017). *Basic concepts of cultural theory*. The translators are Mohajer, Mehran and Nabavi, Mohammad. (2008). Tehran. .if. Print turn 2. P. 11. . [In Persian]
19. El Ouali., Abdelhamid.(2019). *Territorial Integrity in a Globalizing World*. University Hassan II. Faculty of Law. Department of Political Sciences.Route d'Eljadida.9. Springer Heidelberg Dordrecht London New York. Library of Congress Control Number: 2012934668
20. Encyclopædia Britannica. [5 August 2010]. (始內容存檔於2015-05-03) ^ 移至 : 3.0 3.1 sovereignty (politics).
21. English Arabic Dictionary \ Arabic English Dictionary.(2023).
22. European Commission 2004, *Guidelines for integrated border management for Western Balkans*,
23. Griffiths, Martin. (2014). *Encyclopedia of international relations and world politics*. Translator: Aliza Tayyab. Ni publication. Printing turn, 3. . [In Persian]
24. Haeri, Mehdi. (1995). *Government and wisdom*, Tehran: Shadi publications. . [In Persian]
25. Hafez Nia, Mohammad Reza. (2002). *Political geography of Iran*. Tehran: Samt Publications. . [In Persian]
26. Herb, Guntram H. (1999). Kaplan, David H.; Herb, G. Henrik (eds.). *Nested Identities: Nationalism, Territory, and Scale*. United Kingdom: Rowman & Littlefield Publishers. p. 10. ISBN 9780847684670.
27. <https://chinese.stackexchange.com/questions/23374/when-do-you-use>.
28. Ideology and International Relations in the Modern World. Books.google.com. [2011-06-12].
29. Iran constitution Resolution 1674. (2006). Archived 2009-02-23 at the Wayback Machine at the United Nations Information System on the Palestine Question website . [In Persian]
30. Islamic Council, 1999, detailed discussions, Islamic Council Library. . [In Persian]
31. Krasner, Professor Stephen D. Problematic Sovereignty: Contested Rules and Political Possibilities. 2001: 6–12 [2013-11-17]. ISBN 9780231121798. (原始內容存檔於 2022-10-14)
32. Mansouri, Javad. (1987). *Farhang Esteghlal*, first edition, Tehran: Bureau of Political and International Studies. . [In Persian]
33. Marxsen, Christian.(2015). *Territorial Integrity in International Law – Its Concept and Implications for Crimea*. *ZaöRV* 75 (2015), 7-26.

34. Mirhaidar, Dareh. (2005). Examining the concept of territory from the point of view of political geography, *Geopolitics Quarterly*. number 1. Hashemi, Seyyed Mohammad. (2018). *Fundamental Rights of the Islamic Republic*, Volume 1, 15th Edition, Tehran: Mizan Foundation for Legal Studies. . [In Persian]
35. Mojtahedzadeh, Pirouz. (2002). *Political geography - geographic politics*. Tehran: Samt Publications, p. 38. . [In Persian]
36. Muir, Richard. (2000). *A new introduction to political geography*. Translated by Dera Mirhaidar. Tehran: Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces. . [In Persian]
37. O'Dowd, L 2002, 'The changing significance of European borders', in J Anderson, L O'Dowd &
38. Online Etymology Dictionary (etymonline.com)
(2023)., <http://www.oed.com/dictionary/border-21>.
39. online Etymology Dictionary.,(2023). [http://www.integrity | Search Online Etymology Dictionary \(etymonline.com\)](http://www.integrity | Search Online Etymology Dictionary (etymonline.com))
40. online Etymology Dictionary.,(2023). <http://www.territory | Etymology of territory by etymonline>.
41. Oxford English Dictionary, s.v.(2023). "territory, n.¹ meanings, etymology and more | Oxford English Dictionary (oed.com).<http://www.oed.com/dictionary/territory-21>.
42. Oxford University Press. -Oxford Living Dictionarie. sArchived from the original on August 23, 2017. Retrieved February 26, 2019. "Definition of integrity in English"
43. principle of territorial integrity. Edited by Jure Vidmar , Sarah McGibbon ,and Lea Raible. DOI: <https://doi.org/10.4337/9781788971751>. Pp.42–58 .
44. Report of the Working Group on the Conference UN General Assembly 3314 (XXIX). (1994), Report of the International Law Commission on the work of its forty-sixth session, 2 May to 22 July 1994, Official Records of the General Assembly, Forty-ninth session, Supplement No. 10 (A/49/10, reproduced in Yearbook of the International Law Commission 1994, Vol. II, Part II), p. 38, para. (6) (draft Statute for an international criminal court).
45. Saari ol-Qalam, Mahmoud. (2000). *Iran's Foreign Policy*, Tehran: Strategic Studies Publication.
46. Saed, rare. (2004). *The concept of territorial integrity in the international legal system*. Legal notice. 7. Retrieved June 21, 2023. . [In Persian]
47. sites
48. Sohaili, Fatima. Razanhan, Mohammad Hassan and Changizi Ardahai, Ismail. (2021). *The discourse of Iran's territorial integrity in the historiographical sources of the Safavid period*. *Quarterly of historical researches* (type of article: research), Isfahan University Vice-Chancellor of Research and Technology, 57th year, new period, 13th year: first issue. pp. 89-106. . [In Persian]
49. Summers, James.(2022). *Research Handbook on Secession*, Chapter 4
50. T Wilson (eds), *New borders for a changing Europe: cross-border cooperation and governance*,
51. Talmon, Stefan. Recognition of Governments in International Law. Oxford Monographs in International Law Series. Oxford University Press. 1998: 50. ISBN 9780198265733.
52. Tamizkar Mostaghim, Mohammad. (2008). *The inseparability of freedom, independence, unity and territorial integrity*, master's thesis: University of Tehran. . [In Persian]

53. Terry., Slater, (2016). "The Rise and Spread of Capitalism". In Daniels, Peter; Bradshaw, Michael; Shaw, Denis; Sidaway, James; Hall, Tim (eds.). An Introduction To Human Geography (5th ed.). Pearson. p. 47. ISBN 978-1-292-12939-6.
54. The Transformation of European Politics, 1763–1848. [2011-06-12].2011-06-08) .
55. United Nations (2014). . [In Persian]
56. United Nations Charter and Statute of the International Court of Justice, 7th edition, Tehran: United Nations Information Center. . [In Persian]
57. vk-spy.ru.(2022). Cognitive magazine. Psychology. Security, characteristics of the principle of territorial integrity of states and the principle of inviolability of borders. The concept, types, meaning of territories in international law. 14. The principle of territorial integrity in international law. The text is taken from the book History of Government and Law of Foreign Countries. Part 1, Krashninnikova Nina Alexandrovna. Text taken from the Constitution of Russia by Petrenko Andrey Vitaliyuch [In Persian]
58. Wiktionary, the free dictionary., (2023). <https://en.wiktionary.org/wiki/border>.
59. Zacher, Mark W. (2001). "The Territorial Integrity Norm: International Boundaries and the Use of Force" (PDF). International Organization. 55 (2): 215–250. Retrieved 28 December 2023.
60. Zaki, Yashar and Ranjbar, Kamal. (1401). Analyzing the study of border areas from the point of view of the political geography of the border, a case study: the border areas of Kurdistan province. Researches of human geography, period 54, number 3, autumn 2022, p. 1. . [In Persian]
61. Zarei, Bahadur and Zaki, Yashar. (2018). The principle of territorial integrity from the perspective of the Islamic Republic of Iran. Human Geographical Research Quarterly, No. 78, Winter 2019. . [In Persian]